

رهیافت فرهنگ دینی

فصلنامه علمی تخصصی

سال دوم - شماره هفتم - پاییز ۱۳۹۸

بررسی اندیشه های سیاسی علمای طرفدار مشروطه مشروعه: مطالعه موردی آیت الله محسن اراکی (عراقی)

رضا تاج آبادی^۱

چکیده:

به دنبال جنبش مشروطه خواهی، جنبش فکری - سیاسی کاملاً متعارضی پدید آمد که در تاریخ به حرکت مشروعه خواهی موسوم است. نماینده شاخص و نظریه پرداز اصلی مشروعه خواهی، شیخ فضل الله نوری بود. او در ابتدا با مشروطه خواهان همگام بود اما به تدریج با روشن شدن لوازم و توابع دولت مشروطه، راه خود را از آن حرکت جدا کرد و به ستیز و مقابله سخت و همه جانبه با آن برخاست. این مخالف او با تفکر مشروطیت و جریان نوگرایی در درون انقلاب مشروطیت، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به حساب می آید. قضاوت در باره اندیشه های شیخ فضل الله نوری هر چه باشد، این حقیقت را نمی تواند مخدوش کند که او یکی از شخصیت های کم نظیر جنبش مشروطه است که بیش از هر چیز به سرنوشت دیانت و استقلال کشور می اندیشد و در این راه از قربانی کردن جانش نیز دریغ نکرد. حاج آقا محسن عراقی از روحانیون وارسته و آزادی خواه و طرفدار مشروطه به شمار می رفت، اما با مشاهده انحراف انقلاب مشروطیت از اهداف مقدس دینی، مسیر خود را جدا کرد و به جمع طرفداران شهید شیخ فضل الله نوری که خواهان حکومت مشروطه مشروعه بودند پیوست و در این مسیر حمایت و مساعدت های لازم را به شیخ شهید و طرفدارانش کرد.

یکی از فعالیتهای فرهنگی اثر گذار و بجای مانده از علمای آن دوره، تاریخ نگاری انقلاب مشروطه است. بر این اساس، در جهت موضوع تحقیق، نمی توان به منابع تاریخ نگاری مشروطه بسنده کرد بلکه برای دستیابی به اطلاعاتی درست تر و وسیعتر در باب نوع رویکرد همه عالمان و فقیهان آن زمان و دلیل و انگیزه آنان، باید به منابع محلی و تاریخ شفاهی قابل اعتماد بسیاری مراجعه کرد.

کلیدواژه ها: حاج آقا محسن اراکی، مشروطیت در عراق عجم، جنبش مشروطه مشروعه، عالمان شیعه.

۱- پژوهشگر و کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی، آدرس ایمیل tajabadireza@yahoo.com

مقدمه

مناسبات روحانیت با دولت در ایران معاصر، از فراز و فرودهای بسیاری برخوردار بوده است. پس از به رسمیت شناختن مذهب تشیع در دوران صفویه و قدرت یافتن آنان در کنار پادشاهان شیعه، روحانیت موقعیت سیاسی جدیدی به دست آورد اما پیوند آنان با دولت در دوره قاجاریه دوام چندانی نداشت و آنان همچنان از صحنه قدرت به دور ماندند. ضعف و زوال پادشاهان قاجار به گونه‌ای بود که پس از چندی روحانیت توانست در رأس اپوزیسیون داخلی، رهبری قیام تنباکو را به دست بگیرد. سیر این تحول در دوره مظفرالدین شاه، به تضاد کامل دین و دولت انجامید و روحانیت انقلاب مشروطه را در کنار روشنفکران به پیروزی رساند. به دنبال این تحول اساسی، یعنی نفی سلطنت مطلق و بنیان‌گذاری سلطنت مشروطه، انتظار می‌رفت که علما به ارکان قدرت نزدیک شوند، اما تحولات و نابسامانی‌های پس از مشروطه نتیجه عکس داد و دوری روحانیت از قدرت سیاسی تا آنجا شدت گرفت که موجب سرخوردگی و یأس بسیاری از روحانیان از دخالت در سیاست گردید، به گونه‌ای که بسیاری از آنان به موضع سنتی خود یعنی عدم دخالت در سیاست بازگشتند. (امام جمعه زاده و شهرام نیا و نجات پور، ۱۳۹۱)

رقابت تجار ایرانی منطقه اراک با انحصارطلبی کمپانی‌های خارجی در زمینه تولید و تجارت فرش، شهر اراک را به یکی از کانون‌های عمده مبارزه با سرمایه‌داری خارجی تبدیل نمود. تجار، بازاریان و وابستگان به اقتصاد صنعتی - تجاری شهر اراک، تحت تاثیر جریان نهضت مشروطه قرار گرفته بودند و این مساله، موجبات ایجاد و نشر افکار و اندیشه‌های ترقی‌خواهانه و ضداستعماری را در این شهر فراهم آورد. (خزائلی، ۱۳۸۵) ناتوانی دولت قاجار در حمایت از تجار ایرانی فرش در مقابل کمپانی‌های خارجی، باعث شد بازاریان و دست‌اندرکاران اقتصاد صنعتی و تجاری اراک در مبارزه خود با سرمایه‌داری خارجی به روحانیت شیعی و پیشرو این شهر اتکا نمایند. در آستانه انقلاب مشروطه، روحانیون شیعی اراک رهبری جریان مشروطه‌خواهی و نیز مبارزه تجار ایرانی فرش با کمپانی‌های خارجی را بر عهده داشتند. (خزائلی، ۱۳۸۵)

حضور و نفوذ روحانیت شیعی در این منطقه ایران، سابقه‌ای طولانی دارد. قرن‌ها پیش از تشکیل دولت صفوی و گسترش و رسمیت‌یافتن مذهب تشیع در ایران، این ناحیه از عراق عجم عمده‌ترین مرکز شیعی ایران محسوب می‌شد. بنا به استناد جغرافیا نویسان اسلامی، از قرن سوم هجری مناطق فراهان، کمره و کرج ابودلف، از مراکز شیعیان در ایران به‌شمار می‌رفتند. (لسترنج، ۱۳۶۴: ص ۲۱۳) به همین لحاظ اندک

مدتی بعد از تاسیس شهر اراک در این ناحیه، این شهر به سرعت به مهمترین مرکز دینی شیعه در ناحیه مرکزی ایران تبدیل گردید. حضور علمای برجسته و طراز اول شیعه در اراک، باعث ایجاد مدارس متعدد دینی در این شهر گردید. رضا و کیلی طباطبایی تبریزی، در این دوره از سه مدرسه بزرگ علوم دینی در اراک یاد می کند و می نویسد: «مدرسه سپهداری که قدیمی ترین مدرسه شهر است و از ساخته های بانی شهر می باشد، مدرسه آقازیا که مدرسه بزرگ و نوسازی جنب میدان دیوانخانه بوده و مدرسه آقا کمال که یکی از تجار تبریزی شهر به نام حاج حسن ملک تبریزی موسس و بانی خیر آن بوده است.» وی اضافه می کند غیر از این مدارس، مساجد طلاب نشین معمور دیگری نیز در محلات شهر دیده می شوند. (خزائلی، ۱۳۸۵)

روند توسعه مدارس علوم دینی اراک، با مهاجرت روحانی برجسته شیعی و موسس حوزه علمیه قم، یعنی حاج شیخ عبدالکریم حائری به اراک سرعت بیشتری یافت. وی در سال ۱۳۱۶ ق. به دعوت و حمایت حاج آقا محسن اراکی به این شهر آمد و تا سال ۱۳۲۴ ق. سال صدور فرمان مشروطه، به نشر علوم دینی و تدریس در حوزه علمیه پرداخت. در این زمان مدارس دینی و علمای اراک بیشتر تابع و زیر نظر روحانیون نواندیش نجف به ویژه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قرار داشتند. به همین جهت مدارس دینی اراک محل تربیت روحانیون برجسته، نواندیش و مشروطه طلب بود. این روحانیون در میان عامه مردم شهر به ویژه بازاریان، تجار و وابستگان اقتصاد صنعتی و تجاری، نفوذ بسیاری داشتند. در جریان انقلاب مشروطه، روحانیون شیعی در اراک رهبری انقلاب مشروطه به ویژه جریان مبارزه تجار ایرانی فرش با کمپانی های خارجی را برعهده داشتند. (خزائلی، ۱۳۸۵)

شرایط مناسب و ویژه ای که شهر عراق (اراک) در نیمه دوم قرن سیزدهم ه. ق از آن برخوردار بود، موجب گردید که اندیشه های نوگرایانه و عقاید آزادی خواهانه به سرعت در این شهر نفوذ و گسترش یابد. هم زمان با طلوع مشروطیت در ایران، اراک (عراق) به جمع شهرهایی پیوست که این نهضت در آنها رونق و رواجی تمام داشت. مشروطه خواهان در این شهر با آزادی عمل بیشتری فعالیت می کردند و نهضت مشروطه در آن با موانع کمتری نسبت به شهرهای دیگری در ایران پیش می رفت. مشروطه خواهان در اراک پر تعداد بودند. بیشتر اهالی و سکنه این شهر از طبقات و گروه های مختلف و با وابستگی های متفاوت متمایل به مشروطه بودند. (خزائلی، ۱۳۸۴ : ص ۳۲۲)

بطور کلی فعالین مشروطه در عراق را می توان به سه طیف تقسیم نمود :

۱-تجار، بازاریان و وابستگان به اقتصاد صنعتی - تجارتي.

۲-حاکمان، وابستگان اداری دولت قاجاری در ایالت عراق و زمین داران.

۳-عوام و سکنه عادی.

انقلاب مشروطه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران، برخی تحولات بنیادین در زمینه های مختلف سیاسی و اجتماعی به همراه آورد که از آن جمله می توان به ظهور نهاد مجلس، قانون اساسی، انجمنهای ایالتی و ولایتی، گسترش روزنامه ها و غیره اشاره کرد. (علم و کاظمی، ۱۳۹۶:ص ۹۴) از جامعه روحانیون نیز برخی دارای ثروت و املاک وسیعی بودند از جمله حاجی آقا محسن مجتهد عراقی (اراکي) مقتدرترین روحانی زمین دار بود. ظهیرالدوله درباره آمار املاک و ثروت او آورده است: " متمول ترین و ملاک تر از همه جناب حجت الاسلام حاجی آقا محسن مجتهد است. " (علم و کاظمی، ۱۳۹۶:ص ۹۶)

خاستگاه مشروطه خواهی در استان مرکزی به صورت برجسته ای در منابع ذکر نشده است ولی با توجه به سابقه دیرینه شهر اراک که در کتاب تاریخ اراک (آقای ابراهیم دهگان) به آن اشاره شده است از دیرزمان دودستگی میان محله قلعه و حصار حتی قبل از اینکه شهر را یوسف خان گرجی تأسیس کند و بعد از اسکان مردم نیز همان روال قبل باقی ماند و شهر حالت دودستگی داشت. ولی در تعیین خاستگاه مشروطه خواهی در این استان بیشتر می توان گفت در بحث ملیون به تقلید از تهران انجام شده است. "

.. در بدو مشروطیت در عراق (اراک) همچون دیگر شهرستانها نهضت مشروطه خواهان جنب و جوشی در بین اهالی برپا نمود و مردم دسته دسته به تشکیل انجمنهای سری و غیرسری اقدام می نمودند نخستین انجمن که از همه حساس تر بود و تقریباً هسته مرکزی مشروطه خواهان را تشکیل می داد انجمن سری به نام آدمیت بود و سایر انجمنها عبارت اند از: انجمن دموکرات، انجمن تدین، انجمن

آذربایجانیان، انجمن برادران و انجمن اعتدالیون. " (میرداوودی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۴۲)

در بخش بعد از صدور فرمان مشروطیت، بعضی از آنان از جمله حاج آقا نورالدین عراقی در صف مشروطه خواهان قرار گرفت و به عنوان مسئول انجمن ولایتی در اراک اقدامات لازم را به عمل آورد و همچنین حاج آقا احمد حجتی امامی (اولاد اکبر حاج آقا محسن) در صف مشروعه خواهان و همراه شیخ فضل ...

نوری بود. (میرداوودی، ۱۳۸۳ : ص ۱۱۴۲)

در این مقاله به بررسی فعالیتهای علمای مبارز در جنبش مشروطیت و نیز مشروطه مشروعه از جمله حاج آقا محسن عراقی و شیخ فضل الله نوری و دیگران می پردازیم.

ضرورت و اهداف تحقیق

مشروطیت را می توان حاصل یک قرن اختلاف و کشمکش میان دولت و علما دانست و این خود موضوع بسیاری از تحقیقات سیاسی و اجتماعی و تاریخی شده است که نقش علما را در این جنبش مشخص کند. نهضت مشروطه در ایران از جمله وقایعی است که دور ه ای جدید از حیات سیاسی، اجتماعی و دینی مردم و علما و روحانیون مبارز را رقم زد. از هر دیدگاهی که به نهضت مشروطه نظر شود، این تحول نقطه عطف تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. مشروطیت پدیده اجتماعی ساده ای نبود، بلکه از جهت سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی میراث قبلی خود را به چالش کشاند. ایران، با مشروطیت وارد گردونه ای از تحولات شد که با خود الگوهای تازه ای را به ارمغان آورد. نهاد روحانیت در دوران قاجار اهمیت بسزایی پیدا می کرد در این دوران علما، به عنوان رهبران اجتماعی و حافظ شریعت، به تدریج منزلتی یافتند که نبود قدرت سیاسی کارآمد در سراسر دوران قاجار نیز موضع علمای شیعه را محکمتر می کرد.

سوال اصلی تحقیق چیست؟

اندیشه های سیاسی علمای طرفدار مشروطه مشروعه از جمله آیت الله محسن اراکی(عراقی) کدامند؟

پیشینه ی پژوهش

میردآوودی (۱۳۸۳) در مقاله ای تحت عنوان "بررسی تعیین نقش علمای استان مرکزی در انقلاب مشروطیت" بیان کرده است که از میان حوادث اجتماعی جامعه ما، نهضت مشروطیت نقش ویژه ای دارد زیرا که نمایانگر نخستین مواجهه مستقیم بین فرهنگ سنتی اسلام و غرب در ایران جدید است. درواقع، مشروطیت را می توان حاصل یک قرن اختلاف و کشمکش میان دولت و علما دانست و این خود موضوع بسیاری از تحقیقات سیاسی- اجتماعی و تاریخی شده است که نقش علما را در این جنبش مشخص کنند و نظر به اینکه این مقاله برای ارائه در نخستین همایش ملی جلوه های فرهنگی و تمدن ایران زمین تهیه شده است لذا به بررسی نقش علمای استان مرکزی در این واقعه تاریخی ایران زمین می پردازد و کنش روحانیان را در وقایع سیاسی و به طور اخص وقایع مشروطه می توان به گروههای

زیر تقسیم کرد: ۱- نظریه پردازان سیاسی مانند میرزای نائینی، ۲- چهره های سیاسی برجسته و فعال در مسائل سیاسی همچون سید عبدا... بهبهانی، سید محمد طباطبایی، شیخ فضل الله نوری و همراهان آنان. ۳- روحانیانی که بی طرف بوده اند و هیچ گونه دخالتی نداشتند. ۴- روحانیانی که با آن واقعه سیاسی مخالف بودند و کارشکنی می کردند.

رضایی حسین آبادی و طرفداری (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان "بازخوانی اندیشه های سیاسی و فقهی شیخ فضل الله نوری و علامه محمدحسین نائینی در مورد نظام مشروطه" اظهار کرده اند که شیخ فضل الله نوری و علامه محمدحسین نائینی دو تن از بزرگ ترین رهبران و فعالان فکری مخالفان و موافقان نهضت مشروطیت ایران به شمار می روند که نظرات فقهی و اندیشه سیاسی آنان نقش مؤثری در تحولات انقلاب مشروطه و جریان مشروعه خواهی ایفا کرد. این دو، الگوی اصلی جریان های مشروعه خواهی و مشروطه خواهی به شمار می روند و مساله محوری این مقاله، بررسی چرایی مخالفت و موافقت آنها با جریان مشروطیت از طریق مطالعه تطبیقی آرا و اندیشه های فقهی و سیاسی ایشان است و از این منظر کوشش شده است با یک رویکرد مقایسه ای دلایل مخالفت و همراهی این دو با نظام مشروطیت از نظر فقهی و تاریخی تبیین شده و به این سؤال اساسی پرداخته شود که چگونه بر مبنای یک میراث فقهی مشترک، دو مجتهد برجسته جهان تشیع در ایران، قرائت های متضاد و متفاوتی از یک نظام سیاسی ارائه داده اند.

نظام بهرامی (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان "جایگاه مدرنیته سیاسی در اندیشه روحانیون موافق و مخالف مشروطه، که نتایج تحقیق ایشان نشان می دهد که روحانیون مخالف مشروطه به شدت با مولفه های مدرنیته سیاسی ضدیت ورزیدند و روحانیون مشروطه خواه هم نتوانستند به تناقض های موجود بین این مولفه ها و ارزشهای دینی پاسخ دهند و در برخی تلفیق های خود دچار تحریف یکی به نفع دیگری شدند.

فعالان انقلاب مشروطیت در عراق (سلطان آباد)

علما و روحانیان شیعه در طول تاریخ همواره نقشی انکار ناپذیر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران داشته اند. در نهضت مشروطه خواهی مردم ایران هم روحانیان و به ویژه مراجع طراز اول، نقش برجسته ای در حمایت از نهضت ایفا نمودند و اگر حمایت و پشتیبانی آنها از مشروطه نمی بود، این نهضت به پیروزی نمی رسید. علما و روحانیان به سبب جایگاه اجتماعی و سیاسی ممتازی که در دوره قاجار داشتند

توانستند با پشتیبانی از حرکت مردم و رهبری و هدایت حرکت آنان، به یکی از ارکان نهضت مشروطه تبدیل شوند. (به نقل از احمدی طباطبایی و حجتی، ۱۳۹۱: ص ۳۸)

آقا نورالدین عراقی رهبری بزرگترین مجتهد وقت، جنبش مشروطه در عراق را به عهده داشت، بعد از پیروزی انقلاب مشروطه، اولین انجمن ولایتی را به همراه دیگر روحانیون نوگرا و آزادی خواهان اراک تاسیس نمود. شاهزاده عضدالسلطان فرزند مظفرالدین شاه قاجار که از اعضای موسس مجمع آدمیت بود، در دوران حکومت خود در اراک زمینه را برای فعالیتهای نوگرایانه و آزادی خواهانه فراهم نمود. بسیاری از رهبران نهضت مشروطه در عراق جزء ابواب جمعی عضدالسلطان محسوب می شدند و با همراهی وی از دیگر نواحی کشور، به ویژه آذربایجان به عراق آمده بودند. علاوه بر این بسیاری از تجار عمده و مالکین بزرگ عراق در این زمان در صف آزادی خواهان و طرفداران مشروطه قرار گرفته بودند. این دسته حمایت‌های مالی و عملی فراوانی برای پیشبرد اهداف نهضت مشروطه در اراک انجام داده اند. (خزائلی، ۱۳۸۴: ص ۳۱۶)

به همین جهت بسیاری از هزینه های مالی مبارزات مشروطه خواهان در اراک و انجمنهای مشروطه در این شهر، توسط ملاکین عمده این شهر تامین می شد. بدین ترتیب شهر اراک از جمله مناطق کشور محسوب می شد که زمینه فعالیتهای آزادی خواهانه در آن بسیار مهیا بود. مشروطه طلبان در این شهر با موانع بسیار کمتری نسبت به دیگر مناطق کشور فعالیت می کردند. به همین دلیل در بدو نهضت مشروطه، مبارزات آزادی خواهانه در اراک رونقی تمام داشت.

ابراهیم دهقان در این زمان از شش انجمن فعال در اراک یاد می کند. وی می نویسد: " در بدو مشروطیت در عراق همچون دیگر شهرستانها، نهضت مشروطه خواهان، مردم را به تشکیل انجمن های سری و غیر سری تشویق می کردند، که عبارتند از:

۱- هسته مرکزی مشروطه خواهان، انجمن سری بنام آدمیت بود که ریاست آن به مرحوم آقا اسدالله پروین و زیر نظر احرار درجه اول شهر اداره می شد.

۲- انجمن دموکرات از انجمنهای حساس بود که رهبری آن با حاج میرزا عبدالعظیم و نیز آقا اسدالله پروین بوده است.

۳- انجمن تدین در مدرسه سپهداری تشکیل شد و رهبری آن با یکی از دموکراتهای علاقمند به آزادی، مرحوم علی نخستین بود. در این انجمن برای چندی هم مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری نام نویسی

کرده و حتی چند روزی هم رهبر آن جماعت بوده است که بر اثر همین عضویت مورد حمله متولیان مدرسه قرار گرفت و در نتیجه اراک را ترک گفتند.

۴- انجمن آذربایجانیان، که اکثریت اعضای آنرا آذربایجانیه‌های مقیم عراق تشکیل می‌دادند. ریاست آنرا حبیب‌الله عکاس باشی بر عهده داشت.

۵- انجمن برادران، که رهبر این انجمن دو نفر بودند، یکی میرزا حسن خان حرآبادی و دیگر میرزا علی اکبر کمپانی.

۶- انجمن اعتدالیون، ریاست آنرا مجدالممالک داشت. (خزائلی، ۱۳۸۴: ص ۳۱۸)

فعالیت‌های سیاسی حاج آقا محسن اراکی

حاج آقا محسن عراقی در دوره‌ای که ولایت عراق زیر نظر حالم ولایت اصفهان بوده، از ابتدای حکمرانی ظل‌السلطان (حاکم اصفهان) در سال ۱۲۹۱ هجری قمری، با وی به مقابله و عدم همکاری برمی‌خیزد. بعد از اطلاع از این عدم همکاری بین این دو نفر، و به موجب نفوذ و مقبولیت محسن عراقی در بین مردم منطقه، ناصرالدین شاه تصمیم می‌گیرد برای جلوگیری از بروز شورش و قیام علیه حکومت مرکزی از جانب مردم ولایت عراق، حاکمی مجزا برای این منطقه انتخاب کند. به همین جهت در همان سال، شاهزاده فیروز میرزا، فرزند عباس میرزا را مأمور به حکمرانی این منطقه می‌نماید. فیروز میرزا نیز در نامه‌ای که چندی بعد در توصیف وضعیت منطقه اراک برای سپهسالار صدراعظم، می‌نویسد، از عدم تمکین محسن عراقی در مقابل برخی اوامر حکومتی خبر می‌دهد و نسبت به گسترش چنین رفتاری در میان سایر حاکمان محلی هشدار می‌دهد. (خاکباز، ۱۳۷۱)

در خلال دهه ۱۹۰۰ میلادی کمپانی فرش زیگلر^۱ در این منطقه بسیار فعال بود و اقدام به تولید قالی اراک، قالی فراهان و قالی ساروق می‌کرد که سود هنگفتی نصیبش می‌شد، حاج آقا محسن عراقی به موجب شکایت روستائیان نظام‌آباد و ابراهیم‌آباد از دستمزد پائینی پرداختی توسط کمپانی، دستور عدم همکاری اهالی منطقه با شرکت را می‌دهد. با اطلاع سفارت بریتانیا از این اقدام، این سفارتخانه نامه‌ای اعتراضی به وزارت امور خارجه ایران می‌نویسد و نسبت به ادامه چنین رفتاری از جانب وی که می‌تواند به روابط دوستانه دو کشور آسیب بزند، هشدار می‌دهد و تهدید می‌کند در صورتی که حکومت مرکزی اقدام به نفی بلد (تبعید) حاج آقا محسن عراقی ننماید، این سفارتخانه موضوع را به دربار بریتانیا گزارش

خواهد کرد. هم زمان با این نامه اعتراضی، حسن تقی‌زاده نیز در مجلس شورای ملی اقدام به سخنرانی در این خصوص می‌کند و درخواست تبعید وی به طهران را مطرح می‌کند. در نهایت این اقدامات منجر به تبعید وی به طهران در خلال سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ هجری قمری می‌شود. در نهایت در پی صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه و خواسته‌های علماء و مردم، دوره نفی بلد حاج آقا محسن عراقی در سال ۱۳۲۴ هجری قمری به پایان می‌رسد و به وی اجازه بازگشت به اراک داده می‌شود. (خاکباز، ۱۳۷۱)

حاج آقا محسن پس از پی بردن به انحراف مشروطه خواهان، با شیخ فضل الله نوری همراه و هم صدا شد. از شاخص ترین کارهای ایشان در مبارزه با سود جویان غرب زده مربوط به زمانی است که مشروعه خواهان در حرم عبدالعظیم حسنی متحصن بودند. آیت الله عراقی مبلغ شش هزار تومان برای شیخ فضل الله ارسال می‌کند. علاوه بر مجاهدت های فراوان حاج آقا محسن، فرزند دانشمند و فاضل ایشان سید احمد حسینی در تهران از همفکران و یاران نزدیک شهید فضل الله نوری به حساب می‌آید.

انقلاب مشروطه و سلطان آباد و ولایت عراق (اراک)

وقوع انقلاب مشروطه در اواخر عمر و سلطنت مظفرالدین شاه یکی از سرفصلهای مهم تاریخ ایران به حساب می‌آید. در آن هنگام گروهی از روحانیون و روشنفکران با آگاهی از اوضاع برخی کشورهای اروپایی و نیز ژاپن و مقایسه آن با وضعیت داخلی ایران و رنج و ستمی که از ناحیه شاه و شاهزادگان و حکام بر مردم تحمیل می‌شد دست به کار شده تا تغییراتی در نظام حاکمیت ایران به وجود آورند. رهبران آگاهی بخش مشروطه با استفاده از ابزارهایی همچون منبر و محراب، کتاب، روزنامه و... در صدد بر آمدند تا مردم خفته را بیدار و با خود همراه کنند و دستگاه حکومتی مستبد را محدود کنند. مقدمات کار از ماجرای تحریم تنباکو و ترور ناصرالدین شاه آغاز شده بود و در مراحل بعد تشکیل انجمن های مخفی، چاپ اعلامیه و شب نامه، سخنرانی ها، چاپ روزنامه و... هدف مزبور را دنبال می‌کرد. (مرادی نیا، ۱۳۹۶:ص ۸۹)

سلطان آباد که دیگر در آستانه انقلاب مشروطه به شهری نسبتا پرجمعیت و پررونق تبدیل شده بود از شعاع این اقدامات دور نماند و نخستین نشانه های استبداد ستیزی در آنجا نیز جوانه زد. چه اینکه یکی از خواسته های ابتدایی مشروطه خواهان تنبیه عسگر گاریچی متصدی راه قم و عراق بود که خود داستانهایی داشت. البته نشانه های جالبی از بیداری مردم عراق در سالهای نزدیک به خیزش مشروطه

دیده می شود که در نوع خود کم نظیر است. مثلاً در اواخر سال ۱۳۲۲ ه.ق زمانی که حاکم جدید سلطان آباد عازم محل حکومت خود بود دستور داد کسی به استقبال او نیاید و این حکایت از آن دارد که به تدریج بحثهای تازه ای در خصوص حقوق و کرامت مردم در حال شکل گیری بوده است. (مرادی نیا، ۱۳۹۶:ص ۸۹)

والی عراق فخرالملک می کوشید تا چهره ای منصف و مردمی از خود به نمایش بگذارد لذا دست به اقداماتی می زد که می دانست بازتاب خوبی در بین مردم خواهد داشت. به هر ترتیب انقلاب مشروطه پیروز شد و مظفردالدین شاه ده روز پس از صدور فرمان مشروطیت درگذشت. مرگ شاه و وقوع انقلاب مشروطه بهانه خوبی برای گسترش آشوب ها و راهزنی توسط دزدان و اشراری شد که همیشه در کمین فرصت مناسب برای گرفتن ماهی از آب گل آلود بودند. (مرادی نیا، ۱۳۹۶:ص ۹۰)

در همین حال در دوم ربیع الاول، شاهزاده سردار مسعود، حکمران عراق، جمعی از علماء، اعیان و تجار را در دارالحکومه حاضر نموده، ترتیب تشکیل انجمن ولایتی را دادند. این انجمن بر اساس قانون اساسی تازه تصویب مشروطیت و برای حل و فصل مسائل منطقه ای تشکیل می شد. در دوره مشروطه (بین سالهای ۱۳۸۵-۱۳۰۴ شمسی) شش انجمن آدمیت، دموکرات، تدین، آذربایجان، برادران و اعتدالیون در عراق (اراک) فعالین سیاسی و اجتماعی داشتند. که ابراهیم دهگان از نویسندگان شهر اراک، مرتضی قلی خان بیات (سهم السلطان) را موسس حزب اعتدال در عراق می داند. به هر ترتیب پس از پیروزی اولیه انقلاب مشروطه، اختلاف بین مشروطه خواهان در افتاد و گروهی به رهبری شیخ فضل الله نوری شعار مشروطه مشروعه سر دادند و صفوف خود را از بقیه جدا ساختند. در سلطان آباد، حاجی آقا محسن عراقی از طرفداران شیخ فضل الله محسوب می شد. (مرادی نیا، ۱۳۹۶:ص ۹۲)

حاج آقا محسن اراکی طرفدار مشروطه مشروعه

حاج آقا محسن عراقی از روحانیون وارسته و آزادی خواه و طرفدار مشروطه به شمار می رفت، اما با مشاهده انحراف آن از اهداف مقدس دینی، مسیر خود را جدا کرد و به جمع طرفداران شهید شیخ فضل الله نوری که خواهان حکومت مشروطه مشروعه بودند پیوست و در این مسیر حمایت و مساعدت های لازم را به شیخ شهید و طرفدارانش کرد. ایشان در آن زمان مبلغ شش هزار تومان که پول قابل توجهی بود برای مرحوم شیخ فضل الله نوری ارسال کرد. عناصر غرب زده که این حمایت های خانواده حاج آقا محسن را برنمی تافتند با ایشان و فرزندان با عناد برخورد کرده و سخنانی را به آنان نسبت دادند و به چاپ

رساندند که شایسته خودشان بود. (علیزاده ثانی، ۱۳۹۴)

حضور جدی علمای دینی در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباط بازار با ایشان از یک سو و استقلال نهادی و اقتصادی آنان از سوی دیگر سبب گردیده اند تا تاثیر مهم علمای دینی در تحولات ایران معاصر، بسیار عمیق و گسترده گردد، به صورتی که در سطح رهبری جریانات استبداد ستیزی و استعمارستیزی نقش آفرینی کنند. درک ضرورت تغییرات و اصلاح ساختار حکومتی موجود در ذهنیت علمای دینی همواره با لحاظ فرهنگ ایرانی — اسلامی این مرز و بوم همراه بوده است و لذا تفسیر و تحلیل تحولات کشور و جهت بخشی بدانها نزد ایشان، به صورتی خاص و متناسب با شرایط هر مقطع زمانی تغییر کرده است. جنبش مشروطه به عنوان جنبشی فراگیر نمی توانست بدون مساعدت علمای دینی و ارتباطات و پایگاههای اجتماعی و اقتصادی آنان به منصف ظهور برسد. مطالعه موردی این روند در مراکز تأثیرگذار در جنبش مشروطه، واقعیت پیش گفته را آشکار می سازد.

همدلی و همراهی آیت الله حاج آقا محسن اراکی با شهید شیخ فضل الله نوری

شهید سربلند و گرانمایه شیعه حاج شیخ فضل الله نوری از بزرگ آزادیخواهان حقیقت و حامیان شریعت بود. او قاطعانه خواهان حکومت مشروعه ای بود که شیعه با توجه به آرمانهای مقدس خود خواستار آن بود. او این مشروطه را می خواست نه مشروطه ای را که از دیگ پلوی سفارت انگلیس سر در می آورد. مرحوم آیت الله حاج آقا محسن به خوبی با هدف مقدس شیخ شهید آگاه بود و لذا در زمانی که مشروطه خواهان در حضرت عبدالعظیم متحصن بودند با توجه به سوابق دوستی که آقایان علماء اعلام طباطبایی و بهبهانی با مرحوم حاج آقا محسن داشتند و با توجه به اینکه مظفرالدین شاه موجبات ناراحتی معظم له را فراهم کرده بود و ایشان را نفی بلد نموده بود پیغامی به معظم له دادند که مشروطه خواهان متحصن از نظر مالی در مضیقه می باشند و چون کلیه وجوه به مصرف رسیده با این وضع تامین وسایل و نیازمندیهای متحصنین مشروطه خواه در حضرت عبدالعظیم غیر مقدور است. (نعیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲)

اینجا بود که مرحوم حاج آقا محسن مبلغ شش هزار تومان که در آن زمان پول قابل توجهی بوده، برای شیخ شهید (فضل الله نوری) ارسال می دارد. واعظ شهیر و خطیب کم نظیر حجه الاسلام والمسلمین فلسفی در این باره گفته است: بعد از گذشتن سالیان دراز از ماجرای مشروطه مرحوم سید حسین خاکباز آخرین فرزند بلا واسطه آیت الله حاج آقا محسن برای من نقل کرد که آن پول را مرحوم پدرم که در امر زراعت فعالیت می کرد و املاک قابل ملاحظه ای داشت و قسمتی از آن املاک را نیز وقف شاه نجف

(ع) کرده بود به طور محرمانه برای شیخ فضل الله فرستاد. (نعیمی و شفیع، ۱۳۸۳: ص ۵۲) زیرا او نیز طرفدار مشروطه مشروعه بوده و این شعر را هم توسط حامل اضافه کرد:

من نمی گویم سمندر باش یا پروانه باش چون بفکر سوختن افتاده ای مردانه باش

مخالفتان مشروطه

دور بودن رهبری نهضت از کانون مبارزه، مانع رسیدن خبرها به شکل درست و در زمان مناسب به نجف یا ایران می شد و گرنه بی شک، موضع گیری همه علما بر اساس وظیفه بوده است و همه ایشان از مردان با اخلاص بودند که بهبودی وضع ملت و نابودی ستم و اجرای قوانین شریعت را پی گیری می کردند. با تلاش علمای آگاه و ملت غیور ایران، نهضت به وقوع پیوست ولی افرادی به درون آن نفوذ کردند که همان روحیه استبدادی و ضد مردمی را داشتند. با دخالت افراد ناباب در جریان نهضت، به جای پیدایش اصلاحات، مفاسدی بروز کرد و موجب شد شماری از علما نیز در صف مخالفان مشروطه قرار گیرند. شیخ فضل الله نوری نخست از هواداران نهضت بود ولی با دیدن انحراف در نهضت، به صف مخالفان مشروطه پیوست. وی دلیل مخالفت خود را توهین روزنامه ها به پیامبر اسلام و ائمه علیه السلام، علما و دیگر مقدسات دینی می دانست. همچنین آزادی مطبوعات، نشر کتاب ها و روزنامه های گمراه کننده، کشتار و دستگیری علما و بیداد برخی مشروطه طلبان، نوشتن قانون اساسی از روی قوانین کشورهای اروپایی از دیگر دلایل وی در مخالفت با مشروطه به سبک غربی آن بود. (مکی، ۱۳۸۷: ص ۸۰-۸۱)

اندیشه های سیاسی علمای طرفدار نظام مشروطه مشروعه

نهضت مشروطه از آغاز شکل گیری با رهبری فقها و علمای بزرگ اسلام همچون آیت الله شیخ فضل الله نوری، آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی با محوریت قوانین اسلام، مراحل خود را طی کرد و پیشرفت نمود، لکن عوامل وابسته به غرب و انگلیس که با اسلام سر ستیز و عناد داشتند و تحقق قوانین آنرا با مطامع و اهداف شیطانی خود در تضاد و تنافی می دیدند به زودی در نهضت رخنه کردند و با نقشه ها و ترفند های آمیخته با دروغ و تهمت و ایجاد اختلاف و درگیری بین مردم، هدف اولین و بنیادین نهضت را دگرگون ساختند و مانع شدند تا قوانین اسلام فرصت حضور در عرصه های اجتماعی و سیاسی بیابد و از همین رو به تدوین قانون اساسی غربی روی آوردند. (سالاری سه دران و کاکائی باغچه میشه، ۱۳۹۳: ص ۵۹)

به دنبال جنبش مشروطه خواهی، جنبش فکری - سیاسی کاملاً متعارضی پدید آمد که در تاریخ به حرکت مشروعه خواهی موسوم است. نماینده شاخص و نظریه پرداز اصلی مشروعه خواهی، شیخ فضل الله نوری بود. او در ابتدا با مشروطه خواهان همگام بود اما به تدریج با روشن شدن لوازم و توابع دولت مشروطه، راه خود را از آن حرکت جدا کرد و به ستیز و مقابله سخت و همه جانبه با آن برخاست. این مخالف او با تفکر مشروطیت و جریان نوگرایی در درون انقلاب مشروطیت، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به حساب می آید. قضاوت در باره اندیشه های شیخ فضل الله نوری هر چه باشد، این حقیقت را نمی تواند مخدوش کند که او یکی از شخصیت‌های کم نظیر جنبش مشروطه است که بیش از هر چیز به سرنوشت دیانت و استقلال کشور می اندیشد و در این راه از قربانی کردن جانش نیز دریغ نکرد. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷۵)

شیخ فضل الله نوری تا قبل از استقرار نظام مشروطیت در ایران تا هنگامیکه علمای آزادی خواه، نظام مشروطه را نوعی رهایی از استبداد مطلقه ی داخلی و جلوگیری و رهایی از نفوذ سلطه جویانه ی قدرتهای استعمارگر در ایران و پیاده شدن بهتر احکام شرعی اسلام، معرفی می کردند، به حمایت از آن برخاست. اما هنگامی که مشاهده کرد در تدوین قوانین مشروطه، چندان به نظریات وی توجهی نمی شود و احتمالاً اسلامیت قوانین ملاک عمل نیست و نفوذ جریانهای غربگرا قوی تر می باشد، با آن مخالفت کرد. مخالفتی که حتی به قیمت جانش تمام شد. (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ص ۷۳۶)

مشروعه خواهان تحت تاثیر نگرش کلاسیک در باب حکومت معتقد به تفکیک دو حوزه در چارچوب حکومت اسلامی بودند: یکی دنیا و نهاد سلطنت که در اختیار پادشاه بود و دیگری دین و شریعت که در اختیار و تملک علما قرار داشت. از پادشاهان به عنوان صاحبان شوکت و از مجتهدان به عنوان حاملان احکام دین یاد می کردند. آنان سلطنت را قوه اجرائیه احکام اسلامی می دانستند و بر اساس همین اصل بود که به مخالفت با تفکر مشروطه خواهی می پرداختند. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷۶)

علمای طرفدار نظام مشروطه مشروعه با گفتمان سنتی نزدیک تر بودند، منتها با این تفاوت که تا حدی و به شکل خاصی عناصر گفتمان غربی را پذیرفتند و با بسیاری از آنها نیز مقابله کردند. مشروعه خواهان مفید بودن ابزار مشروطه را برای کنترل قدرت سلطنت قبول داشتند اما به پیشنهاد دهندگان آن و عاملان به آن که همان تحصیل کردگان و روشنفکران غربی بودند اعتماد نداشتند، لذا گفتند مشروطه باید پسوند مشروعه داشته باشد تا التزام آنان به دین ثابت شود. مشروعه طلبان نسبت به مظاهر تمدنی

جدید وسواس بیشتری به خرج دادند و در کیفیت هدف و حوزه وظیفه مجلس با مشروطه خواهان اختلاف داشتند. آنان مجلس و حاکمیت را منافی با شریعت تلقی می کردند. از آنجا که این گروه از علما، این ابزار جدید (مشروطیت) و حاکمیت جدید را به صورت مشروطه و مقید به مشروعه پذیرفته بودند از آنان با عنوان مشروطه طلبان مشروعه خواه یا به اختصار مشروعه خواه یاد شده است. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷۶)

برخی از شاخص های دولت مدرن همچون آزادی، قانون و مساوات از دیدگاه فقهای طرفدار نظام مشروطه مورد ارزیابی قرار می گیرد و در این راستا تاکید اصلی بر اندیشه های شیخ فضل الله نوری، خلاق ترین فقیه مشروعه خواه بوده است که از مخالفان سر سخت نظام مشروطه بود و دستاوردهای چنین نظامی یعنی آزادی، مساوات و قانون را معارض با اسلام قلمداد می کرد. این مخالفت ها در حقیقت رخدادی بی سابقه و شگفت انگیز در تاریخ روحانیت شیعه و نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می گردد. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷۷)

شیخ فضل الله نوری حکومت ولایت فقیه را بهترین شکل حکومت در عصر غیبت می دانست، چنانکه در رساله حرمت مشروطه می گوید: "ولایت در زمان غیبت امام زمان (عج) با فقها و مجتهدین است نه فلان بقال و بزاز و اعتبار به اکثریت آراء به مذهب امامیه غلط است." (زرگری نژاد، ۱۳۷۷: ص ۱۵۴)

اما از سر واقع بینی آنها دست نیافتنی می دید و از میان دو شکل دیگر حکومت، ضرر و زیان دولت استبدادی را برای شریعت، بسیار کمتر از دولت مشروطه می دانست. شیخ فضل الله نوری نظر خوش بینانه ای نسبت به مشروطه نداشت چنانکه در خصوص نظام مشروطه می گوید: "مشروطه ای که در فرنگستان ساری و جاری است با مشخصات خاصی که دارد شایسته اجرا در ایران نیست، ایرانیان باید مشروطه ای منطبق با سنن ملی و مذهبی خود برقرار کنند." (انصاری، ۱۳۷۸: ص ۲۷۶)

مشروعه خواهانی مانند نجفی مرنندی بر این باور بودند که در متمم قانون اساسی کمتر از حقوق طبیعی، فطری و آزادیهای فردی و اجتماعی ملت ایران سخن رفته است و این را به سبب ملاحظه کاری و مسامحه نمودن نمایندگان و گردانندگان سیاسی مشروطه طلب می دانست که بر مبنای شرایط زمانی از بیان موارد تند اجتماعی و انقلابی خودداری می کردند. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۹۱)

علمای مشروعه خواه در برخورد با مفاهیم غربی از خود وسواس بیشتری نشان دادند و برداشت خوش بینانه ای نسبت به مشروطیت نداشتند و آنها مغایر با قوانین اسلامی می دانستند، لذا در برابر آن موضع گیری کردند. این گروه از علما تسلط بی چون و چرای اندیشه مشروطه را به منزله نابودی پیشینه فکر

مذهبی تلقی می کردند و همین برداشت باعث گردید آنان در زمینه حکومت و جایگاه حکومت و نقش مردم در حکومت همان دیدگاه کلاسیک را برگزینند. یعنی در باب حکومت همان نظریه دوگانگی در باب دین و سیاست را مورد توجه قرار دهند و حتی از پادشاه نیز دفاع کنند، چنانکه شیخ فضل الله نوری و تبریزی قائل به نظریه ولایت فقها در امور شرعی و سلطنت سلطان در امور سیاسی بودند. منتها در این چارچوب خواستار مشروعیت یافتن پادشاهان از سوی علمای دینی نیز بودند یعنی اولویت را به حوزه شرع و فقها می دادند. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۹۵)

با شیوع ظلم حکام و عدم اداره صحیح امور اجتماعی به وسیله آنان، نیاز به تحقق عدالت و نظارت بر عملکرد حاکمان، در میان توده مردم و علما شکل بارزی به خود گرفت. نهضت عدالتخانه که در جریان تحسن سفارت انگلیس به مشروطه تغییر نام داد، در این شرایط شکل گرفت و به صدور فرمان مشروطه منتهی شد. با همراهی و مساعدت بیشتر عالمان تهران، به ویژه سیدین سندن، طباطبائی و بهبهانی و نیز شیخ فضل الله نوری، مجلس شورای ملی جهت تدوین قوانین اجتماعی عرفی و نظارت بر عملکرد درباریان و حکام ولایات گشایش می یابد. در شهرهای دیگر ایران با پیشوایی علما، انجمن های ایالتی تاسیس شد و انتخابات جهت تعیین نماینده انجام پذیرفت. (جواد زاده (جهانشاهلو، ۱۳۸۳: ص ۲۲۸)

پس از استبداد صغیر و حاکمیت مشروطه دوم که طیف علمای مخالف با اعدام شیخ فضل الله نوری و ترور و تبعید برخی دیگر، در انزوا قرار گرفتند، علمای موافق نیز نتوانستند اهداف ملی و دینی خود را عملی کنند و در نتیجه بسیاری از آنان به تدریج از مشروطه سرخورده شدند. علت این امر آن بود که مشروطه غربی به فرض نادیده انگاشتن ایرادات شرعی مطابق مزاج و طبع خاص جامعه آن روز ایران نبود و استقرار آن در این کشور، حاصلی جز بسط دامنه آشوب، فرو پاشی قدرت مرکزی و در نهایت هموار شدن راه سلطه بیگانه نداشت. (جواد زاده (جهانشاهلو)، ۱۳۸۳: ص ۲۲۹)

علمای مشروعه خواه تفسیر حداکثری از دین داشتند و شریعت را واجد تمام قوانین می دانستند. آنان به جای مجلس، علما و مجتهدین را به عنوان اجرا کنندگان و قوه اجرائی به حساب می آوردند. آنها با هر گونه تغییر و تحول در ساختار مذهبی و سیاسی جامعه مخالف بودند. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۲۰۱)

بطور کلی نگاه علمای مشروعه خواه، متضمن مغایرت مشروطیت با اسلام بود، و لذا حرکت مشروعه خواهی را می توان حرکتی در راستای حفظ اسلام، منتها در چارچوب تفکرات سنتی ارزیابی کرد. با وجود مخالفت تعدادی از علما با مشروطیت و طرح مشروطه مشروعه که این هم خود بیانگر انعطاف پذیری

تفکر سیاسی عالمان شیعی در پاسخ به چالش‌های فکری زمانه به شمار می‌آید و تحت تاثیر نگرش‌های اجتهادی و اصول‌گرایی احیا شده متاخر قرار داشت، باید خاطر نشان ساخت با پذیرش مشروطیت از سوی اکثریت قاطبه علما، تحول چشمگیری در اندیشه آنان صورت پذیرفت و باعث شکل‌گیری دوره‌ای جدید از نو اندیشی فکر و نیز به نوعی سبب بازآفرینی اندیشه دینی گردید. (شاه محمدی، ۱۳۹۴: ص ۱۹۵-۱۹۶)

نقش حاج آقا محسن عراقی (اراکی) در انقلاب مشروطیت (۱۳۲۵-۱۲۴۷ ق)

حاج آقا محسن عراقی از شخصیت‌های بسیار معروف و مشهور مذهبی و تاریخی است که از دو طبقه روحانیت و بزرگ مالکان اراک بوده است. وی فرزند سید ابوالقاسم و متولد ۱۲۴۷ ق است. مرحوم حاج آقا محسن، تحصیلات ابتدایی را تا مقدمات فقه و اصول در شهر عراق، خدمت پدر و جدش حاج سید احمد فرا گرفت، سپس در بروجرد در حوزه درس مرحوم آیت‌الله حاج سید شفیع، مجتهد جاپلقی و آیت‌الله حاج ملاصدرا بروجردی به ادامه تحصیل پرداخت. اجازه اجتهاد ایشان را مرحوم حاج سید شفیع صادر کرد و همان‌طور که در اعیان الشیعه جلد نهم آمده است. (میر داوودی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۲۹)

مرحوم حاج آقا محسن، تفسیر را نزد سید جعفر کشفی، اصول را نزد شیخ احمد، صاحب مصابیح فی الاصول تلمذ نمود و نیز از حوزه درس مرحوم سید محمدتقی صاحب حاشیه المعالم استفاده کرد. شخصیت و اثر وجودی حاج آقا محسن عراقی از سه دیدگاه قابل تجزیه و تحلیل است:

۱- شخصیت علمی و روحانی ایشان را به حد کافی علمای مذهبی تحلیل و بررسی و او را از مجتهدان بزرگ قرن چهاردهم محسوب کرده‌اند به طوری که اکثر این نظریات را می‌توان در کتاب آیات سرمد به صورت مستند مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

۲- شخصیت ایشان از بعد سیاسی-اجتماعی.

۳- شخصیت نامبرده از خاستگاه زمینداری و بزرگ مالکان.

آقای علی اکبر خاکباز در تأیید مشروطه خواهی حاج آقا محسن عراقی به نامه‌ای استناد می‌کند که از طرف سید جمال الدین اسدآبادی به علمای ایران نوشته شده است: "سید جمال الدین اسدآبادی نامه‌ای مفصل در مورد وضعیت آن روز ایران نوشته و برای ده نفر از بزرگ‌ترین مراجع و شخصیت‌ها این نامه را ارسال داشته، یکی از ده نفری که سید جمال الدین مکتوب خود را برای او ارسال داشته است مرحوم آقای حاجی آقا محسن بوده است، چنانچه خوانندگان مستحضر هستند سید جمال الدین به عنوان مخالف

با زورگویی و استبداد و سلطه انگلیسها قیام نموده و چون می دانستند و اطلاع داشتند که یکی از افرادی که در مقابل زورگویی و استبداد و سلطه بیگانگان ایستادگی می نماید مرحوم آقای حاجی آقا محسن است لهذا مکتوب خود را برای ایشان ارسال داشته است. " (خاکباز، ۱۳۷۱: ص ۵۸)

در باب مشروعه خواهی ایشان (منظور نقش حاج آقا محسن بعد از فرمان مشروطیت) این نیز تعیین نقشی است که مورخان با توجه به بعضی وقایع به او نسبت داده اند از جمله: مجله یاد از انتشارات سازمان مدارک و اسناد انقلاب اسلامی در شماره ۱۷، ص ۱۲۹ در ارتباط با تحلیل نقش حاج شیخ عبدالکریم حائری در مشروطه جایگاه حاج آقا محسن را نیز بیان می کند: " از طرف دیگر، باید این میان شخصیت ویژه مرحوم حاج آقا محسن عراقی را که حامی اصلی و عمده او (حاج عبدالکریم حائری) در ایران بود نیز شناخت تا بتوان قضاوت بهتری در قضیه کرد. از آنجا که حاج آقا محسن عراقی نیز مانند حاج شیخ فضل ... نوری ابتدا از سران مشروطه بود و سپس به انحراف آن پی برد و مشروعه خواه شده بود لذا همه مورخان یاد شده او را به باد تهمت، افترا و انتقام گرفته اند. (آقا بابا، ۱۳۷۸: ص ۲۵۰)

وقایع مشروطیت و مراجعت حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به نجف

حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرزند محمد جعفر پس از ۸ سال اقامت در اراک در سال ۱۳۲۴ با وقایع مشروطه به نجف مراجعت می کند. حاج شیخ عبدالکریم، علی رغم شخصیت بسیار محتاطی که در امور سیاسی داشت یکی از شاگردان شیخ شهید فضل الله نوری بود و در سامرا مدتها دوره سطوح عالیه فقه و اصول را پیش او تلمذ کرده بود. طبیعی است که اندیشه های استاد بتواند در شخصیت شیخ جوان، اندیشه های اصلاح طلبی و گرایش به ایجاد حکومت اسلامی را در سر بپروراند. لذا می بینیم که شیخ عبدالکریم خود را وارد معرکه مشروطیت نمی کند. بنابراین ایشان در مخالفت با مشروطه، شباهت فکری زیادی به شیخ فضل الله نوری استاد خویش دارد. (آقا بابا، ۱۳۷۸: ص ۲۵۰)

از دیگر دلایل ارائه شده در مورد گرایشهای ضد مشروطه حاج شیخ عبدالکریم حائری، ارتباط نزدیک وی با حاج آقا محسنی از حاج شیخ می باشد. حاج آقا محسن عراقی که از مخالفین با مشروطه و طرفدار مشروعه بوده اند و حمایت حاج آقا محسن از حاج شیخ می باشد. از طرف دیگر از آنجا که حاج آقا محسن عراقی نیز مانند حاج شیخ فضل الله نوری ابتدا از سران مشروطه بود و سپس به انحراف آن پی برده و مشروعه خواه شده بود، لذا همه مورخان، او را به باد تهمت، افترا و انتقاد گرفته اند.

عبدالهادی حائری مولف کتاب تشیع و مشروطیت نیز حاج شیخ عبدالکریم حائری را، فردی غیر سیاسی

و غیر علاقمند به درگیری در سیاست می‌داند. وی در بررسی نقش علما در وقایع مشروطیت می‌نویسد: "حائری فردی غیر سیاسی به شمار می‌رفت و به نظر نمی‌رسد که در سراسر زندگیش هرگز علاقمند به درگیری در سیاست بود. حائری مانند نائینی نزد میرزا حسن شیرازی، سید محمد فشارکی و آخوند خراسانی درس خوانده بود ولی بر خلاف نائینی همواره کوشش داشت که گام به پهنه سیاست نهد. در سال ۱۹۰۰ (۱۳۱۸) او نجف را به قصد اراک ترک گفته و حوزه علمیه آن شهر را بنیان نهاد ولی پس از چند سال، انقلاب مشروطیت ایران آغاز شد و علما و اعیان آن شهر از جمله حاج آقا محسن عراقی در انقلاب درگیر شدند. این وضع البته با ذوق حائری هماهنگ نبود و بنابراین او برای دوری از انقلاب، در سال ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) یعنی درست همزمان با اعلام مشروطیت در ایران، به نجف رفت ولی این مهاجرت، حائری را از انقلاب مشروطیت نرهانید. زیرا درست در همان هنگام حوزه روحانی نجف در آستانه یک درگیری دراز مدت در انقلاب مشروطیت قرار داشت. بنابراین نجف را به قصد کربلا ترک گفت و چند سال آنجا بماند. ... ویژگیهای شخصی حائری او را وادار می‌کرد که از سیاست کناره‌گیری گیرد. این کناره‌گیری به اندازه‌ای بود که در برخی از صاحب نظران ایجاد حیرت کرده بود. (حائری، ۱۳۶۴: ص ۱۷۹)

شیخ عبدالکریم که از شاگردان شیخ فضل‌الله نوری بوده و بی‌اعتقاد به حرکت و نظام مشروطه و سران آن، همیشه به دنبال جایی بوده است که از آنجا پایگاهی بر ضد جریان غرب‌گرایی و مشروطه‌کدایی درست کند و کادری روحانی به وجود آورد که به سیاستهای اسلامی و یا به اصطلاح مشروعه‌خواهی باور داشته باشند. رفاقت و آشنایی او در عتبات با پسر حاج آقا محسن عراقی مشروعه‌خواه و پرنفوذ و ... زمینه ایجاد چنین پایگاهی در سلطان‌آباد (اراک) را برای او فراهم آورد. (آقا‌بابا، ۱۳۷۸: ص ۲۵۱)

نتیجه‌گیری

تجلیل از بزرگان دین و بزرگداشت فرزندان راستین هر ملت، بر عهده افراد آن ملت است. یادمان و گرامی‌داشت عالمان بزرگ شیعه یکی از راههای سعادت‌مندی در زندگی دنیا و آخرت است و اهانت به عالمان متعهد و پرهیزگار، گناهی نابخشودنی است که به بدبختی، کوتاهی عمر و بی‌تقوایی می‌انجامد. وظیفه عالمان دین است که با تفقه در دین و شناخت زمان، مکان مخاطب، مردم را بسوی نور هدایت کنند. یکی از وظیفه‌های مهم آنان نیز همکاری با مردم در امور عمومی و مصالح مسلمانان است. نقش

آفرینی عالمان آگاه و بیدار در دگرگونی سیاسی - اجتماعی یکی از زیباترین برگهای تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. بخش برجسته ای از تاریخ معاصر روحانیت شیعه، به مبارزه با استعمار و استبداد مربوط می شود. و یکی از عرصه های سیاسی مهمی که فقیهان شیعه در آن نقش عملی و علمی فراوانی داشتند، نهضت مشروطیت است. مرحوم حاج آقا محسن اراکی شخصیت نادری بود که علم و سیاست را در خود جمع داشت، بزرگ مردی که با زحمت و اشتیاق فراوان تحصیل کرد. ایشان از بزرگانی است که در شناخت بزرگی مقام دینی و سیاسی او کوتاهی شده و شخصیت سیاسی و مجاهدتهای ملی و میهنی اش تحریف گشته یا به فراموشی سپرده شده است. جایگاه حاج آقا محسن اراکی در عالم اسلام، جایگاه بلندی است. وی شخصیتی جامع در علوم عقلی و نقلی و فقه بود و سیاست مداری است که شاه را به ستوه آورد، مجاهدی که در مبارزه با ستم در دوران استبداد و اشغالگری بیگانه با علمای بزرگ همراه بود. با شیوع ظلم حکام و عدم اداره صحیح امور اجتماعی به وسیله آنان، نیاز به تحقق عدالت و نظارت بر عملکرد حاکمان، در میان توده مردم و علما شکل بارزی به خود گرفت. نهضت عدالتخانه که در جریان تحسن سفارت انگلیس به مشروطه تغییر نام داد، در این شرایط شکل گرفت و به صدور فرمان مشروطه منتهی شد. با همراهی و مساعدت بیشتر عالمان تهران، به ویژه، طباطبائی و بهبهانی و نیز شیخ فضل الله نوری، مجلس شورای ملی جهت تدوین قوانین اجتماعی عرفی و نظارت بر عملکرد درباریان و حکام ولایات گشایش می یابد. در شهرهای دیگر ایران با پیشوایی علما، انجمن های ایالتی تاسیس شد و انتخابات جهت تعیین نماینده انجام پذیرفت. گر چه معدود فقیهانی همانند حاج آقا محسن عراقی از مشروطه (به خاطر داشتن انحرافات) حمایت نکردند. به نظر می رسد یکی از عوامل عدم همراهی ایشان با برخی فقیهان در این مرحله، مشکوک دانستن اصالت ملی نظام تازه تاسیس مشروطه، به دلیل دخالت بیگانگان، نفوذ غرب گرایان و افراد منتسب به فرقه بابیه بوده است.

با نوشته شدن متمم قانون اساسی بر پایه قوانین اساسی دولتهای اروپایی، مشروطه غربی تا حدود زیادی رسمیت یافت. زمره های مخالفت مجتهد نوری از همین زمان شنیده شد. با عدم پذیرش تصحیحاتی که مجتهدان در مورد مواد متمم قانون اساسی صورت داده بودند و نیز با تغییر ماده پیشنهادی در باره نگاهبانی فقها بر مصوبات مجلس، مخالفت شیخ فضل الله نوری صورت عینی به خود گرفت. او امید داشت بتواند با گذاردن قیود و شرایطی برای مجلس و قانون اساسی و اخذ تعهد از نمایندگان مجلس در مورد معنای اسلام پسند مشروطه، آزادی و قانون گذاری، مشروطه اروپایی را لگام زند اما عملی نشدن

برخی خواسته‌های او و هم نظرانش و نیز گذشت زمان به او نمایاند که این امر به دلیل غلبه جریان سازان، ناشدنی است. در نتیجه حکم به حرمت آن صادر کرد. عالمان بسیاری از حامیان مشروطه از جمله حاج آقا محسن اراکی، هم زمان با اعتراض شیخ فضل الله نوری یا مدتی بعد از آن، اعتراض و مخالفت خود را علیه مشروطه اعلام کردند.

پس از استبداد صغیر و حاکمیت مشروطه دوم که طیف علمای مخالف با اعدام شیخ فضل الله نوری و ترور و تبعید برخی دیگر، در انزوا قرار گرفتند، علمای موافق نیز نتوانستند اهداف ملی و دینی خود را عملی کنند و در نتیجه بسیاری از آنان به تدریج از مشروطه سرخورده شدند. علت این امر آن بود که مشروطه غربی به فرض نادیده انگاشتن ایرادات شرعی مطابق مزاج و طبع خاص جامعه آن روز ایران نبود و استقرار آن در این کشور، حاصلی جز بسط دامنه آشوب، فرو پاشی قدرت مرکزی و در نهایت هموار شدن راه سلطه بیگانه نداشت.

علمای مشروعه خواه تفسیر حداکثری از دین داشتند و شریعت را واجد تمام قوانین می دانستند. آنان به جای مجلس، علما و مجتهدین را به عنوان اجرا کنندگان و قوه اجرائی به حساب می آوردند. آنها با هر گونه تغییر و تحول در ساختار مذهبی و سیاسی جامعه مخالف بودند. بطور کلی نگاه علمای مشروعه خواه، متضمن مغایرت مشروطیت با اسلام بود، و لذا حرکت مشروعه خواهی را می توان حرکتی در راستای حفظ اسلام، منتها در چارچوب تفکرات سنتی ارزیابی کرد. با وجود مخالفت تعدادی از علما با مشروطیت و طرح مشروطه مشروعه که این هم خود بیانگر انعطاف پذیری تفکر سیاسی عالمان شیعی در پاسخ به چالشهای فکری زمانه به شمار می آید و تحت تاثیر نگرشهای اجتهادی و اصول گرایی احیا شده متاخر قرار داشت، باید خاطر نشان ساخت با پذیرش مشروطیت از سوی اکثریت قاطبه علما، تحول چشمگیری در اندیشه آنان صورت پذیرفت و باعث شکل گیری دوره ای جدید از نو اندیشی فکر و نیز به نوعی سبب بازآفرینی اندیشه دینی گردید. این علما با توجه به فضای دینی و فرهنگی ایران، انجام اصلاحاتی در حوزه مسائل سیاسی و اقتصادی را پذیرفتند. به عبارت بهتر خواستار انطباق مسائل شرعی با مقتضیات زمانی بودند. آنان دین را مجموعه ای از فرامین و احکام پراکنده تلقی نمی کردند بلکه معتقد بودند در شرایط نوین جهانی اندیشه دینی باید بتواند پاسخگوی نیازها و معضلات بشر امروزی باشد.

یکی از فعالیت های مهم و با ارزش فرهنگی اثرگذار و به جای مانده از آنان، تاریخ نگاری انقلاب مشروطه است. بر این اساس، در جهت موضوع تحقیق، نمی توان به منابع تاریخ نگاری مشهور مشروطه

بسنده کرد بلکه برای دستیابی به اطلاعاتی وسیع تر در باب نوع رویکرد همه عالمان و فقیهان آن زمان و دلیل و انگیزه آنان، علاوه بر کتب فوق الذکر، باید به منابع محلی و قابل اعتماد بسیاری مراجعه کرد. بدون اطلاعات دقیق و جزئی تاریخی درباره زندگانی رهبران مذهبی عصر مشروطه، ریشه یابی مسأله ناممکن و تحلیل و قضاوت درباره آن، بیش از یک پیش داوری غلط نخواهد بود. نباید با اتخاذ و پذیرش نظریه های عصری، به سراغ یک موضوع تاریخی رفته و بدون آگاهی از ریز وقایع و عدم تأمل جدی در نوشتارها و مصاحبه ها با خانواده آنها و تاریخ شفاهی و اسناد برجای مانده از آنان و روشنایی بخشیدن به متشابهات کلام ایشان با توجه به محکمت، به داوری پرداخت.

منابع و مأخذ :

- آقابابا، علی (۱۳۷۸) مروری بر حضور و نقش آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در شهر اراک، فصلنامه راه دانش (تحقیقات فرهنگی - هنری استان مرکزی)، شماره مسلسل ۹، ش ۱۷، ص ۲۳۹-۲۷۹.
- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا و علی حجتی (۱۳۹۱) دلایل سازگاری حکومت مشروطه با مبانی اسلامی در اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۷.
- انصاری، مهدی (۱۳۷۸) شیخ فضل الله نوری و مشروطیت: رویارویی دو اندیشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- امام جمعه زاده، جواد؛ شهرام نیا، امیرمسعود؛ نجات پور، مجید (۱۳۹۱) روحانیت شیعه و مقایسه سه دهه نقش آن پس از مشروطه و پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه شیعه شناسی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ص ۱۵۳-۱۹۰.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴) تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جواد زاده (جهانشاهلو)، علیرضا (۱۳۸۳) بررسی چهار نظریه در تحلیل اختلاف سیاسی فقهای شیعه در نهضت مشروطیت، نشریه آموزه کتاب پنجم، ص ۱۸۵-۲۳۴.
- خزائلی، علیرضا (۱۳۸۴) زمینه های انقلاب مشروطیت در عراق (اراک)، مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش بزرگداشت انقلاب مشروطه، گردآورنده ستاد بزرگداشت انقلاب مشروطه، تبریز: انتشارات ستوده، ص ۳۱۱-۳۲۷.
- خزائلی، علیرضا (۱۳۸۵) مشروطه خواه اراک (عراق عجم)، نشریه زمانه، شماره ۵۲.
- خاکباز، علی اکبر (۱۳۷۱) خاندان محسنی اراکی، اراک: نشر مولف.
- علیزاده ثانی، علی (۱۳۹۳) مشروطه خواه عراق، نشریه گلشن ابرار، ج ۱۰، ص ۱۰.
- سالاری سه دران، مریم و عباس کاکائی باغچه میشه (۱۳۹۳) ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- شاه محمدی، روح الله (۱۳۹۴) مبانی دولت مدرن در اندیشه متفکران عصر مشروطه، به کوشش نصر الله پور محمدی املشی، تهران: نشر آبا د بوم .
- رضایی حسین آبادی، جمال و علی محمد طرفداری (۱۳۹۲) بازخوانی اندیشه های سیاسی و فقهی شیخ فضل الله نوری و علامه محمدحسین نائینی در مورد نظام مشروطه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و دوم،
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۷) رسائل مشروطیت، تهران: نشر کویر.
- علم، محمدرضا؛ کاظمی، سجاد (۱۳۹۶) تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمین داری، فصلنامه پژوهشهای تاریخی (علمی پژوهشی)، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم، شماره یکم (پیاپی ۳۳)، ص ۹۳-۱۰۶.
- لسترنج، گی (۱۳۶۴) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۲۱۳.
- مهدی زاده، احمد (۱۳۸۴) تحلیلی بر نقش علماء در انقلاب مشروطه ایران، مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش بزرگداشت انقلاب مشروطه، گردآورنده ستاد بزرگداشت انقلاب مشروطه، تبریز: انتشارات ستوده، ص ۷۱۵ - ۷۴۶.
- میرداوودی، اشرف السادات (۱۳۸۳) بررسی تعیین نقش علمای استان مرکزی در انقلاب مشروطیت، همایش تاریخ و جغرافیای ایران و جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، دانشگاه بین المللی قزوین.
- مکی، مهدی (۱۳۸۷) سیمای دانش: ویژه نامه آیت الله آخوند خراسانی، تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، قم: دفتر عقل.
- مرادی نیا، محمد جواد (۱۳۹۶) تاریخ استان مرکزی، تهران: نشر ثالث.
- نظام بهرامی، کمیل (۱۳۹۳) جایگاه مدرنیته سیاسی در اندیشه روحانیون موافق و مخالف مشروطه، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۵، ص ۱۱۷ - ۱۵۲.
- نعیمی، داود؛ شفیعی، محمد سعید (۱۳۸۳) اسوه واقفان، حاج آقا محسن اراکی (عراقی)، تهران: انتشارات اسوه، ص ۵۱ - ۵۲.
- نعیمی، داود (۱۳۸۰) آیات سرمد، زندگانی اولاد میر علی محمد جد اعلای سادات کرهرود به انضمام خاطرات آیه الله آقا سیدنورالدین عراقی در طول هجرت و جهاد، اراک: داود نعیمی، ص ۱۱۱ - ۱۱۲.